

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

امارت اسلامی افغانستان

تاریخ: 1443/3/14 هـ ق

شماره: 30 ج 1

فرمان عالیقدر امیرالمومنین در رابطه به برخورد با مسئولین اداره قبلی

بعد از فرمان عفو، فتوای ضمیمه هذا که از طرف علماء کرام امارت اسلامی در رابطه به مجازات یا عدم مجازات مجرمین اداره فاسد قبلی صادر شده و از طرف شیوخ کرام اداره عالی بازرسی تایید گردیده است، از طرف من هم تائید است. بناءً، در روشنائی این فتوا اجراءات نمایید.

والسلام

مقام امارت اسلامی

استفتاء

بسم الله الرحمن الرحيم

الاستفتاء: علماء كرام در رابطه به موارد ذیل جواب ارائه نمایند:

1. بعد از عفو امیرالمومنین حفظه الله، مجرمین اداره فاسد قبلی از طرف امارت قابل مجازات می باشند یا خیر؟ و بعد از عفو امیرالمومنین صاحب، مردم عام می توانند این مجرمین را مجازات کنند یا خیر؟
2. کارکنان اداره فاسد که قبل از شامل شدن به اداره فاسد کدام جرم مرتکب شده و بعداً داخل اداره فاسد شده باشند، مجازات شده می توانند یا خیر؟ و ضمان بالای آنها است یا خیر؟
3. کارکنان اداره قبلی که در صف همان اداره مرتکب کدام جرم شده باشند، حالا بعد از عفو، مجازات می شوند یا خیر؟ و ضمان بالای آنها است یا خیر؟
4. کارکنان اداره فاسد که بعد از ختم اداره فاسد مرتکب جرم شده باشند، مجازات آنها چگونه صورت می گیرد؟ و ضمان بالای آنها است یا خیر؟

جواب: حامداً ومصلياً

و بعد، در قسمت اول: امن دادن به باغی ها همانگونه است که به اهل سایر ادیان امن داده می شود، از طرف هر که امن داده می شود، جواز دارد. و حکم مصئونیت این است که هرگاه امام افرادی را امن میدهد یا عفو می کند، بعد از آن قتل، اسارت، تعذیب یا شکنجه آنها، بدون کدام موجب شرعی، جواز ندارد.

البته در قسمت مجازات و ضمان آنها بعضی استثنائات وجود دارد:

و بعد از عفو توسط امیرالمومنین، هیچ کس نمی تواند این اشخاص را بدون موجب شرعی، قتل، اسیر یا اذیت نماید. فی فتح القدير باب البغاة (فروع) 330/13، و اذا امن رجل من أهل العدل وجلا من اهل البغی جاز امانه؛ لانه ليس اعلى شقاقا من الكافر، و هناك يجوز فكذا هنا. وجاء في الموسوعة الفقهية 170/37: ط، بيروت، ذهب جمهور الفقهاء الى انه اذا وقع الامان من الامام او من غيره بشروطه، وجب على المسلمين جميعا الوفاء به، فلا يجوز قتلهم، ولا اسرهم، ولا اخذ شي من مالهم. ولا التعرض لهم، لعصمتهم، ولا اذيتهم بغير وجه شرعي.

جواب سوال دوم: در صورت که این اشخاص کدام جرم را مرتکب شده باشند، با عفو امیرالمومنین صاحب خلاص نمی شوند، بلکه مطابق به جرم شان مجازات می گردند و هم ضمان بالای آنها تطبیق می شود.

و جاء في البحر 239/5 و في الهداية الباغی اذا قتل العادل لا يجب الضمان و يأثم، في البدائع لا يضمن ما أصاب من دم أو جراحة أو مال ولو فعل شيئاً من ذلك قبل الخروج و ظهور المنعة أو بعد الانهزام و تفرق الجمع يؤخذ به اه.

و في رد المحتار 342/3؛ طب. و قال اصحابنا ما فعلوه قبل التحيز والخروج و بعد تفرق جمعهم يؤخذون به لانهم من أهل دارنا و لا منعة لهم كغير هم من المسلمين، أما ما فعلوه بعد التحيز لا ضمان فيه لما بيننا اه الى قوله و ما كان قائماً في يدكل واحد من الفريقين للآخر فهو لصاحبه.

جواب سوال سوم: در چنین صورت، این مجرمان مجازات نمی شوند و نه ضمان بالای آنها تطبیق می شود، ضمان قضاء و دیانت بالای آنها است. اما اگر این حقوق را ادا نکنند، گنهکار شمرده می شوند و در آخرت مأخذه می شوند. البته اگر کدام مال و جنس مردم نزد آنها موجود باشد، آن مال و جنس قابل استرداد می باشد.

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت های در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

فی البحر 239/5؛ والحاصل أن نفی الضمان منوط بالمنعة مع التأویل فان تجردت المنعة عن التأویل كقوم تغلبوا على بلدة فقتلوا واستهلكوا الأموال بلا تأویل ثم ظهر عليهم أخذوا بجميع ذلك ولو انفرد التأویل عن المنعة بأن انفرد واحد أو اثنان فقتلوا وأخذوا عن تأویل ضمنوا اذا تابوا أو قدر عليهم كذا فی فتح القدير. وجاء فی رد المحتار 342/3، والحاصل أن نفی الضمان منوط بالمنعة مع التأویل، فلو تجردت المنعة عن التأویل كقوم تغلبوا على بلدة فقتلوا و استهلكوا الاموال بلا تأویلی ثم ظهر عليهم أخذوا بجميع ذلك، ولو انفرد التأویل عن المنعة بأن انفرد واحد و اثنان فقتلوا و أخذوا عن تأویل ضمنوا اذا تابوا و قدر عليهم الى قوله قال محمد رحمه الله تعالى: اذا تابوا أفتهم أن يغرموا، ولا أجبرهم على ذلك لانهم ألتفوه بغير حق، فسقوط المطالبة لا يسقط الضمان فيما بينه و بين الله تعالى.

جواب سوال چهارم: در این صورت هم تحت پوشش عفو امیرالمومنین صاحب قرار نمی گیرند، و مطابق به جرم شان مجازات می گردند، و ضمان هم بالای آنها تطبیق می گردد.

و جاء فی البحر 339/5 و فی الهدایة الباغي اذا قتل العادل لا يجب الضمان و یأثم. ولو فعل شیئا من ذلك قبل الخروج و ظهور المنعة أو بعد الانهزام و تفرق الجمع یؤخذ به اه و فی رد المحتار 342/3؛ طلب. وقال أصحابنا ما فعلوه قبل التحیز والخروج و بعد تفرق جمعهم یؤخذون به لانهم من أهل دارنا، ولا منعة لهم كغيرهم من المسلمین.